

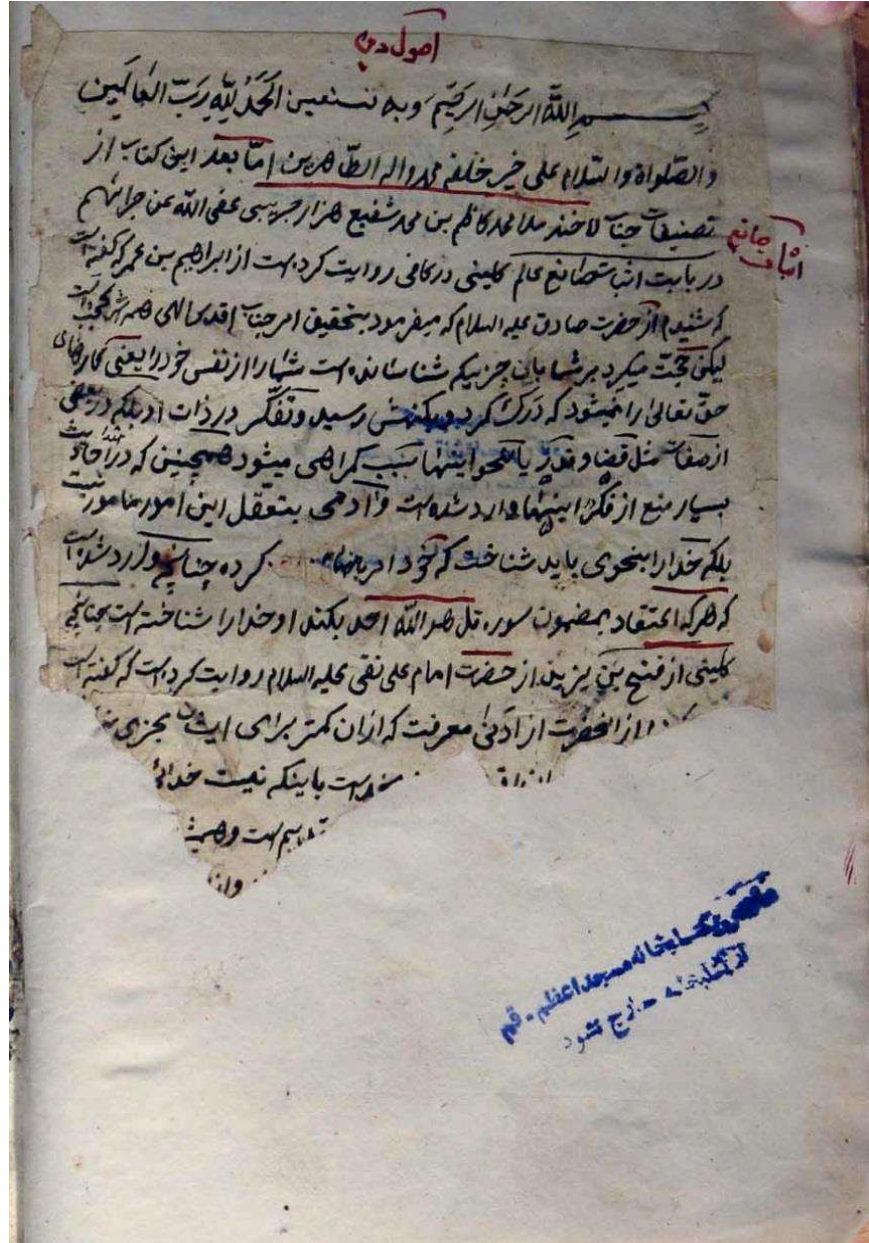
## امور خارق‌العاده و مقصّرہ در آثار علامه هزارجریبی استرآبادی (متوفای ۱۲۳۶ قمری)

□ علی قنبریان

### چکیده

محمدکاظم بن محمدشفیع هزارجریبی (از دانشمندان اوایل دوره قاجار) عالمی اهل قلم بوده و آثار متنوع و گوناگونی در حوزه‌های الهیات از ایشان برجای مانده است. با مطالعه و تحقیق در رساله‌های ایشان که در قالب کتاب‌های چاپی و نسخه‌های خطی موجود است، می‌توان برخی از مفاهیم و اصطلاحات فنی را با توجه به منظومه فکری ایشان ساماندهی و تدوین کرد. از اصطلاحات علمی و کلامی که در آثارش به‌صراحت یا کنایه از آن بحث شده است، «امور خارق‌العاده» و «مقصّرہ» است. هزارجریبی اصطلاح «خارق‌العاده» را در ارتباط با کرامات دانشمندان شیعی و امامان معصوم (ع) و همچنین معجزات پیامبر اسلام (ص) به‌کار می‌برد و نمونه‌های متعددی از آن را بیان می‌کند. گرچه هزارجریبی اصطلاح «مقصّرہ» را در آثارش به‌صراحت به‌کار نبرده، اما بیان فضایی برای اهل بیت (ع)، از جمله کرامات و امور خارق‌العاده و برتری ائمه از پیامبران پیشین، نقد مقصّرہ است. رسالت این مقاله، پاسخ به دو سؤال است: «کمیت و کیفیت بیان امور خارق‌العاده برای ائمه (ع) در آثار هزارجریبی چگونه است» و «مقصّرہ چه کسانی هستند و نقد هزارجریبی بر آن‌ها چیست؟». بنابر این دو سؤال، مقاله به شیوه تبیینی تحلیلی انتقادی به دو قسمت تقسیم شده است: قسمت اول: امور خارق‌العاده؛ قسمت دوم: مقصّرہ.

واژگان کلیدی: امور خارق‌العاده، محال ذاتی، محال عرفی، مقصّرہ، محمدکاظم هزارجریبی.



صفحه اول نسخه خطی «اثبات الصانع و اصول دین»  
شماره: ۴۱۴/۱، قم، کتابخانه مسجد اعظم

این رساله خواننده لطیفه و جلیله

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و  
صلى الله على خير خلقه محمد وآله الطاهرين **أما بعد** چنین گوید بنده خاطمه محمد  
کاظم بن محمد شفیح هزارجریبی عنی الله عن جرائمه ما که این کلمات چند هست  
در بعضی از فوائد نافعه که بفکر فاطمین قاصر رسیده است بتوفیق الهی  
بیروکت حضرت رسالت و اهل بیت طاهریا آنحضرت صلوات الله علیه  
وعیالهم اجمعین و تقدیر این کلمات را بدان زیرا که این تحقیقیت که نذیر  
احدی متعرض آن گردیده باشند و آنرا بفوائد لطیفه مستفی کرانند  
و از فضل باریتعالی شانه امید دادم که از تفصیل این فقیر در کلمات که  
اوست **مَلِكٌ صَاحِبُ احْتِاجٍ** و الله حسبی وهو نعم الوکیل **وَاللَّهُ بِاَلْاِخْتِاجِ** و نند  
ببخوانند غنی بالذات است و حکیم است و معنای این سخن آنست که الله  
جل جلاله هیچ گونه احتیاج بغير ندارد و غیر او همه عالم از آسمان و  
زمین و عرش و کرسی و لوح و قلم و آفتاب و ماه و ستاره کان و ابر و  
باران و هوا و جن و انس و حیوانات و اشجار و نباتات و خاک و  
سایر آنچه بنظر در میآید و آنچه در نظر نیاید همه مخلوق و آفریده  
اویند و محتاج اویند و بنا بر این تقریر که موافق عقل است کسی که  
در هیچ چیز و هیچ جهت محتاج بغير نباشد و خلق کردن غیر برای او  
تفعی ندارد و چون دانستی که غنی است از غیر و حکیم است کار عبث  
و بی فائده از او صادر نمیکرد و با این چگونه عالم را ایجاد کرد و فائده  
آن چه چیز است **جواب**: گوئیم که حق عز و جل عالم را آفرید بدو سبب چنانکه

صفحه اول نسخه خطی رساله فواید لطیفه

کتابخانه فیضیه (قم)، ش: ۱۲۳۹/۶

## قسمت اول: امور خارق العاده

### ۱. محال عقلی و محال عادی

در یک تقسیم بندی محال بر دو قسم است:

الف) محال عقلی (ذاتی): محال عقلی آن است که از نظر عقل، وقوع چیزی ممتنع باشد چون به اجتماع نقیضین می انجامد و قدرت خداوند به محال عقلی تعلق نمی گیرد. از نمونه های این قسم رؤیت خداوند متعال و شریک الباری است. هزارجریبی در رساله «مناظره امام صادق(ع) با زندیق» درباره رؤیت خداوند متعال در سؤال زندیق و پاسخ امام صادق(ع) چنین آورده است:

«زندیق گفت آیا او قادر نبود که خود را از برای ایشان اظهار نماید تا آنکه او را بیند و از روی یقین او را عبادت کنند؟ حضرت فرمود که از برای این سخن تو که ظاهر گردد تا توانند او را بینند محال است و سخن محال جواب ندارد زیرا که قدرت بر محال تعلق نمی گیرد.» (هزارجریبی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۳).

امام صادق(ع) با این پاسخ خویش، جواب از شبهه ای در باب «قدرت مطلق» خداوند نیز داده است. برخی، بعضی از مصادیق محال عقلی را مطرح کرده و از کیفیت تعلق قدرت خداوند متعال به آنها سؤال می کنند مثلاً می گویند «آیا خدا قادر است که اجتماع نقیضین را تحقق بخشد؟» یا «خدا قادر است مربع دایره خلق کند؟» یعنی جسمی خلق کند که در عین اینکه مربع باشد، دایره باشد. سؤال کننده وقتی با جواب منفی روبه رو می شود، قدرت خداوند را محدود کرده و نسبت عجز به وی می دهد. در حالی که خداوند در این گونه امور عاجز نیست بلکه همان طور که امام صادق(ع) بیان فرمودند، تعلق قدرت خداوند بر محال عقلی ممنوع و ممتنع است.

ب) محال عادی (عرفی): در محال عادی، وقوع ممتنع و ممنوع نیست بلکه عقل حکم به جواز می دهد و وقوع در خارج محال است؛ مانند: کوه طلا، پرواز کردن انسان. خداوند متعال بنابر حکمت و مصلحت قادر است که محال عرفی را محقق کند. کلیه کرامات انسان های صالح و معجزات پیامبران در دسته دوم یعنی محال عرفی جای می گیرد. بنابراین،

مقصود نگارنده از امور خارق العاده در عنوان این قسمت، اموری هستند که محال عرفی و عادی هستند نه محال عقلی.

ابن سینا در نمط دهم از کتاب ارزشمند «الاشارات و التبیهاات» که درباره اسرار الآیات است، در ارتباط با امکان صدور افعال خارق العاده از عارفان چنین گوید:

«اذا بلغك ان عارفاً أمسك عن القوت المرزق له مدة غير معتادة فاسجح بالتصديق و اعتبر ذلك من مذاهب الطبيعة المشهورة (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۹)... و لعلك قد يبلغك من العارفين اخبار تكاد تأتي بقلب العادة فتبادر الى التکذیب و ذلك مثل ما يقال: ان عارفاً استسقى للناس فسقوا، او استشفى لهم فشفوا، او دعا عليهم فحسف بهم و زلزلوا او هلكوا بوجه آخر، و دعا لهم فصرف عنهم الوباء و الموتان و السيل و الطوفان، او خشع لبعضهم سبع، او لم ينفر عنهم طائر، او مثل ذلك مما لا تؤخذ في طريق الممتنع الصريح فتوقف و لا تعجل فانّ لامثال هذه اسباباً في اسرار الطبيعة. و ربّما يتأتى لي ان اقص بعضها عليك.» (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص ۱۵۸).

در اواخر عبارات بالا جمله «فانّ لامثال هذه اسباباً في اسرار الطبيعة» آمده است. از این جمله درمی یابیم که ابن سینا تمامی پدیده های عالم را معلولاتی می داند که دارای علت هایی است با این تفاوت که علل امور خارق العاده، از اسرار طبیعت و ناشناخته است.

تاریخ گواه آن است که برخی از افراد سودجو از انجام محال عادی و امر خارق العاده، برای پیشبرد مقاصد ناروای خویش استفاده کرده اند. دو نمونه ذکر می شود:

**نمونه اول:** مغیره بن سعید از تسلطش بر شعبده و سحر استفاده کرده و مردم را فریب داده و به دنبال خویش کشانده است: «ثم قدم المغيرة الكوفة و كان مشعبذا فدعا الناس الى قوله و استهواهم و استغواهم فاتبعه خلق كثير» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۱۲۱).

**نمونه دوم:** برخی از غالیان، ادعای دیدن پیامبران، امامان، فرشتگان، و... را داشته اند. این افراد با بیان امور خارق العاده سعی داشته اند تا اذهان توده مردم را بر خویش جلب کنند تا از رهگذر آن به مقاصد و اهداف خویش برسند. در برخی از روایات، از دخالت شیطان و ابلیس در گمراه کردن این افراد صحبت شده است. امامان هشدار می دادند که آنچه که این افراد ادعا می کنند، از سوی خدا نبوده است و منبعی قدسی و الهی ندارد. نمونه ای از این

امور را هزار جریبی در رساله «منبه الملحدین فی ردّ الغالین» از «رجال» محمد بن عمر کشی، گزارش کرده است:

«و شیخ کشی رحمه الله به سند معتبر از یونس روایت کرده است که گفت: در خدمت امام رضا صلوات [الله] علیه بودم، شنیدم که مردی از طیاره یعنی از غالیان به خدمت آن حضرت حدیث می‌کرد از یونس بن ظبیان که گفت: یونس گفت: من در بعضی از شبها در طواف بودم ناگاه ندایی از بالای سر خود شنیدم که کسی گفت: ای یونس! بدرستی که منم خداوندی که نیست خدایی غیر من. پس مرا عبادت کن و به پا دار نماز را برای من، و چون سر بالا کردم جبرئیل را دیدم! و چون حضرت امام رضا صلوات الله علیه این را شنید به حدی غضبناک گردید که ضبط خود نتوانست کرد. پس به آن مرد خطاب کرد که: بیرون رو از نزد من که خدا لعنت کند تو را و لعنت کند آن کسی را که تو را به این حدیث کرد و لعنت کند یونس بن ظبیان را هزار لعنت.» (هزار جریبی، ۱۴۰۰ ش، ص ۵۷-۵۸).

## ۲. امور خارق العاده و هزار جریبی

هزار جریبی به صورت محدود، گاهی برای تشویق و تحریک به دینداری برخی از امور خارق العاده را بیان می‌کند. متخصصان علوم مختلف گواهی می‌دهند که کارهای خارق العاده بر اساس قوانین علوم مادی و تجربی انجام نمی‌یابد برخلاف امور غیر خارق العاده مانند پدیده‌هایی فیزیکی، شیمیایی، زیستی، و روانی که از راه اسباب و عللی است که با آزمایش‌های گوناگون قابل شناخت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۶).

همان‌طور که بیان داشتیم، امور خارق العاده همان محال عرفی است و وقوع ذهنی و خارجی آن ممتنع نیست. صدور امور خارق العاده از سوی پیامبران (ع) معجزه و از طرف غیر آنان، کرامت نامیده می‌شود.

دو اشکال بر هزار جریبی وارد است:

الف) ایشان رساله‌ای فارسی درباره فضایل و مناقب حضرت علی (ع) دارد و نام آن را «معجزات» گذارده است. در مقدمه رساله چنین گوید: «اما بعد بدانکه قلبی از معجزات

شاه مردان علی بن ابی طالب (ع) ذکر می شود.» (هزارجریبی، نسخه خطی معجزات، قم، کتابخانه فیضیه، شماره بازیابی: ۱۲۳۹/۵).

در کتاب «شرح کشف المراد» در شرط چهارمی که برای معجزه بیان می کند، چنین گوید: «اظهار معجزه همراه با ادعای نبوت و پیامبری باشد. یعنی به دنبال ادعای نبوت چنین کاری از او صادر شود. بنابراین کارهای شگفت آور صلحا و اولیاء الهی و ائمه (ع) معجزه نیست بلکه کرامت نام دارد.» (محمدی، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۶۴).

بنابراین بجا و بایسته بود از عنوان «معجزات» برای رساله استفاده نشود؛ لذا وقتی رساله تصحیح شد، عنوان کتاب را «کرامت های حضرت علی (ع): تصحیح رساله معجزات» گذاردم (اطلاعات کتاب شناسی: هزارجریبی، محمدکاظم، کرامت های حضرت علی (ع): تصحیح رساله معجزات، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، تهران، نشر میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»، چ اول، ۱۳۹۷ ش). تا اشکال پیش گفته تا حدی مرتفع شود زیرا معجزه مخصوص انبیا و پیامبران (ع) است.

ب) اشکالی دیگری که در این قسمت به هزارجریبی وارد است آنکه ایشان امور خارق العاده را که در رابطه با فقها و اصولیانی همچون علامه بحر العلوم و محمدباقر بهبهانی است، نقل کرده و مهر صحت بر آنها می نهد یا سکوت کرده و آنها را نقد نمی کند ولی درباره امور خارق العاده منسوب به عرفا و متصوفه که در «تذکره الاولیاء» و «نفحات الانس» و کتاب های عرفانی دیگر ذکر شده، به شدت موضع گیری کرده و آنها را رد و نقض می کند. اگر امر خارق العاده ممتنع است، برای همه اشخاص باید ممتنع باشد. به نظر می رسد هزارجریبی در نقد عرفا و متصوفه زیاده روی کرده و از اعتدال خارج شده است. مثلاً هزارجریبی در رساله «منبه المغرورین» در رد امر خارق العاده منسوب به ابن عطا گوید:

«و این دروغ مانند دروغیست که ایضاً شیخ عطار مادمح الاشرار و الفجار برای ابن عطا که یکی از اولیای اهل سنت است نقل کرده است که جماعتی داخل شدند، دیدند که تمام صومعه تر است. چون پرسیدند گفت بچه کبوتری، از کسی دزدی کردم. بعد از آن هزار ختم قرآن برای صاحبش کردم به عوض آن بچه کبوتر و با این همه امر، روز دیگر آن دزدی به خاطر آمد از شرم گریه کردم و در صومعه گردیدم و این تری از آب چشم من است. ای

عافل منصف بین که این دروغ‌گویان چه دروغ‌ها اختراع می‌کنند برای فریفته گردانیدن مردم با آنکه ادعا می‌کنند که چیزی نمی‌خورند و نمی‌آشامند. پس این آب‌ها از کجاست؟ الحمدلله که سخن دروغ را همه کس می‌فهمند که آن دروغ است.» (هزارجریبی، نسخه خطی منبّه‌المغرورین، کتابخانه ملی، ش: ۳۲۱۴۹-۵).

### ۳. نمونه‌هایی از امور خارق‌العاده در مکتوبات هزارجریبی

۱/۳. نمونه اول: گفتار علامه محمدباقر بهبهانی (متوفای ۱۲۰۵ قمری)

«و ایضاً حقیر از جناب آقا محمدباقر بهبهانی (ره) شنیدم که مرد تاجری از اهل ایران به فرنگ رفت برای تجارت. پس در فرنگ عاشق دختری از فرنگیان شد و خواهش تزویج آن نمود. فرنگیان به جهت مخالفت دین او و ایشان، راضی نشدند و آن مرد به سبب وفور علاقه که به آن دختر داشت به زنی آن کافران در آمد و آن دختر را گرفت و او را مسلمان کرد و قرآن را تعلیم او نمود و چون یک‌سال از تزویج آن دختر گذشت، دختر مُرد. اهل و خویشان دختر به طریق کفار فرنگ، آن عروس را با زینت و زیور او دفن کردند و شوهر دختر در پنهانی آن کافران، قبر دختر را شکافت تا آن‌که آن زیور را بیرون آورد و چون در قبر نظر کرد دختر را در آن قبر ندید بلکه مرد ریش تراشیده صاحب شارب‌های بلندی را در آن قبر دید. بسیار متعجب گردید و آن وقت را تاریخ گرفت و از آن ولایت بیرون آمد به سوی بغداد و از اهل آن، صفت آن میت ریش تراشیده را تجسس می‌نمود تا آن‌که به کربلا آمد. معلوم شد که مرده به آن صفت یکی از ستیان کربلا بود و آن سنی را در صحن مقدّس حضرت امام حسین (ع) به جانب پشت سر دفن کردند. پس حفّار و خدمه را راضی کرد تا آن‌که قبر آن سنی را شکافتند، دختر را در آن قبر دید. پس زیور در آورد و قبر را پوشانید.» (هزارجریبی، ۱۳۹۵ ش، ص ۷۵-۷۶).

۲/۳. نمونه دوم: کرامت‌های علامه محمد مهدی بحرالعلوم (متوفای ۱۲۱۲ قمری)

هزارجریبی در اواخر رساله «جدلیه» ضمن بیان اوصاف و ویژگی‌های علامه بحرالعلوم، از برخی از امور خارق‌العاده درباره وی گزارش کرده است:

«و آنچه بعضی از اصداقا نقل می‌کنند، گشوده شدن در صحن و در روضه حضرت امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌وسلام‌علیه برای جناب سید محمد مهدی رضوان‌الله‌علیه و دیدن او امام (ع) را،



هرچند که نزد بنده درست ثابت نشده است، ولیکن از چنین بزرگواری این امر دور نیست و الله العالم بالحق و الصواب... و خود مرحوم می فرمود که من هفت سال متوالی در میان رختخواب نرفتم برای خوابیدن و چهار سال متوالی به وضوی نماز مغرب و عشا، نماز صبح را به جا آوردم.» (هزارجریبی، نسخه خطی جدلیه، تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۵-۱۴۶۲۸).

۳/۳. نمونه سوم: اژدهای عظیم در مسجد کوفه

هزارجریبی برخی از کرامات و امور خارق العاده را در ارتباط با ائمه معصومین (ع) نقل می کند. از آنجا که وقوع چنین اموری به دست معصومین امتناع عقلی ندارد، سند روایات بایستی بررسی شود و در صورت صحیح بودن سند و نبود روایات معارض، آن ها را پذیرفت. به یک نمونه از این امور در مکتوبات هزارجریبی اشاره می شود:

«و یکی از جنیان به صورت اژدهای عظیمی در مسجد کوفه به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) آمد در وقتی که آن حضرت در منبر بود و بلند شد. حضرت اشاره فرمود صبر کن. چون از خطبه فارغ شد پرسید که کیستی. گفت عمرو و پسر عثمان که پدرم را بر جن خلیفه کرده بودی و او درین وقت فوت شد. چه می فرمایی؟ حضرت او را به جای پدر خلیفه خود گردانید. این ها مجملی است از احوال امامت ظاهری ایشان که عقل اکثر خلق به آن نمی تواند رسید و غرائب احوال و خفایای اسرار ایشان را نمی داند و تاب شنیدن آن ها را ندارد مگر ملک مقربی یا پیغمبر مرسل یا مؤمن کاملی که حق تعالی دل او را امتحان کرده باشد و به نور ایمان متور گردانیده باشد.» (هزارجریبی، نسخه خطی اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۱/۴۱۴).

۳/۴. نمونه چهارم: معجزات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)

مورد اول:

«و در احادیث بسیار وارد شده است که هر معجزه که حق تعالی به هر پیغمبری داده بود، همه آن ها را به رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم عطا کرده است با زیادتی و قادر بودند بر طی ارض که بسیار مسافت بعیده را در زمان قلیلی طی نمایند بلکه در یک روز و کمتر چندین مرتبه بر دور دنیا بگردند و کتاب های جمیع پیغمبران را مانند تورات و انجیل و زبور و

صحفِ آدم و صحفِ شیث و ادريس و ابراهيم و الواح موسى و براهين ابراهيم و يوسف و سنگ موسى که دوازده چشمه از آن جاری می‌شد و انگشتر سلیمان و بساط او و سایر انبیاء (ع) نزد ایشان بود. اکنون همه آن‌ها نزد صاحب‌الامر (ع) است. و حق تعالی ابر را مسخر ایشان کرده بود که بر آن سوار شوند که ملکوت آسمان‌ها و زمین را بگردند و هفتاد و دو اسم اعظم حق تعالی را می‌دانستند که برای هر چیز می‌خواندند البته مستجاب می‌شد. و یکی از آن اسما را آصف می‌دانست که به آن اسم، تخت بلقیس را از دوماه راه به یک چشم برهم زدن نزد حضرت سلیمان (ع) حاضر کرد.» (قنبریان، ۱۳۹۸ ش، ص ۳۵۵)

قالیچه سلیمان یا بساط سلیمان قالیچه‌ای که با استفاده از نیروی باد، حضرت سلیمان و یارانش را به مناطق مختلف منتقل می‌کرد. در قرآن از قالیچه سلیمان نام برده نشده، ولی به اختیار در آمدن نیروی باد برای سلیمان اشاره شده است. با این حال، برخی منابع تفسیری و روایی به قالیچه سلیمان و خصوصیات آن پرداخته‌اند. مجلسی روایتی را درباره فرود بساط سلیمان در سرزمین کربلا نقل کرده است. برخی‌ها معتقدند قالیچه سلیمان بیشتر به افسانه شبیه است تا واقعیت. در نظر آنان داستان تسخیر باد برای سلیمان منشأ ایجاد این افسانه بوده است.

#### مورد دوم:

و طریق شناختن ایشان معلوم می‌شود از ظهور معجزه صادقه در ضمن دعوی پیغمبری و معجزه پیغمبر ما که محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدالمنف است و مادرش آمنه بنت وهب، زیاده از حد و احصا است. بعضی گفته‌اند که سه هزار معجزه از آن حضرت ضبط کرده‌اند و حق آن است که جمیع اطوار آن حضرت از حرکات و سکونات و کلام و سکوت همه معجزه بوده‌اند و افضل معجزات آن جناب قرآن مجید است که الحال موجود است و تا قیامت باقی خواهد بود و اعجاز قرآن مجید از جهت حسن اسلوب و تضمین به اخبار غیب و آنچه ظاهر می‌شود انا فانا از استخارات و استشفاء و رفع ناخوشی‌های اندرونی و بیرونی، از آن واضح‌تر است که صاحب‌دلی انکار آن تواند کرد (هزارجریبی، ۱۳۹۸، ص ۵۲-۵۳).

#### ۴. نقد و ردّ امور خارق العاده عرفا و متصوفه

هزارجریبی هم اندیشه‌های راجع به عرفان نظری را تحلیل، نقد، و مذمت کرده است و هم برخی از اعمال عرفا در عرفان عملی را. همچنین امور خارق العاده‌ای را که به بزرگان عرفا و متصوفه نسبت می‌دهند از اساس باطل دانسته است. هزارجریبی با عرفا و متصوفه به شدت مخالف است و گفتار و عملکرد آن‌ها را نقد می‌کند. یکی از وجوهی که ایشان ردّ می‌کند، امور خارق العاده منسوب به عرفا است.

در ذیل چند نمونه از نقدهای هزارجریبی بر امور خارق العاده منسوب به عرفا و متصوفه آورده می‌شود:

۴/۱. نمونه اول: نقد ابن عربی در نگارش کتاب «فصوص الحکم»

ابن عربی در مقدمه «فصوص الحکم» گزارش می‌دهد که متن کتاب، در رؤیای صادقانه‌ای از پیامبر اکرم (ص) به ایشان القا شده است. در متن ذیل هزارجریبی به این امر خارق العاده اشاره کرده و آن را ردّ می‌کند.

«ای اهل عقل و بصیرت نظر نمایید به این خبیث گمراه که از برای فریب عوام چه دعوای دروغ و خلاف عقل را می‌نماید و ابلهان بی بصیرت را به دام تزویر خود درمی‌آورد. و در کتاب فصوص الحکم گفته است که من در خواب دیدم که رسول خدا را. در دست آن حضرت کتابی بود که گفت این را بگیر و برای مردم ظاهر کن. و گفت چون در دمشق شام این خواب را دیدم و بعد از آن خواب این کتاب فصوص الحکم را تألیف [کردم]. این بی‌دین و رئیس ملحدین و احیاکننده دین شیاطین این خواب را از روی دروغ و افترا نقل کرده است یا آنکه با القای شیاطین این به نظر [ش] آمده است و خاتم الانبیا (ص) از آن جلیل‌تر است که به خواب چنین زندیقی آید و به او چنین چیز امر فرماید. عجب از عقل آن ابلهانی که این احمق را در این دعوی تصدیق کرده‌اند. همه ستیان او را از اکابر اولیا می‌دانند و مرشد و راهنمای خود اخذ کرده‌اند.» (هزارجریبی، نسخه خطی منبّه المغرورین، کتابخانه ملی، ش: ۵۳۲۱۴۹).

۴/۲. نمونه دوم: نقد دعوی کرامات متصوفه

بدانکه اول کسی که تصوّف و رهبانیت را در میان اهل اسلام بنا گذاشت و راه این بدعت را

گشود، حسن بصری بود و شاگردان او مانند رابعه عدویّه و حبیب عجمی و مالک دینار و غیر ایشان ازین گروه اشرار که مرید او بودند بنای صومعه و صومعه نشینی و ترک نکاح و گوشت و بوی خوش را گذاشتند و بسیاری از سنت‌های پیغمبر (ص) را ترک کردند و با این بدعت دعوی کرامات بلکه معجزات کردند برای فریب دادن عوام و بسیاری از عوام اهل سنت را به این دعوی‌های دروغ فریب دادند و بعد از آن جماعتی از اهل بلخ که محلّ دجال و معدن اشرار است مانند شقیق بلخی و ابراهیم ادهم و غیر ایشان این بدعت و طریقه را از حسن و شاگردانش فراگرفتند تا آنکه این طریقه شیطانیه در بلخ و ماوراءالنهر و سایر بلاد خراسان شایع شد (هزارجریبی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۴).

## قسمت دوم: مقصره

### ۱. غلو و تقصیر

در طول تاریخ تشیع و در ادوار مختلف شاهدیم که همیشه بین گروه‌های مختلف شیعی و همچنین دانشوران و محدثان شیعه بر سر گستره مقامات و دارا بودن شئون مختلف تکوینی و تشریحی از سوی امامان معصوم (ع) و حتی نبی خاتم (ص) اختلاف نظر جدی بوده است تا آنجا که برخی ایشان را در حد انسان‌های معمولی پایین آورده و تنها برای آن‌ها برخی فضایل مانند انتساب ظاهری و نسبی با پیامبر اکرم (ص) و بهره‌مندی نسبتاً بیشتر از علوم رایج در بین مردم و برخی مکارم و محاسن اخلاقی را قائل شده‌اند و برخی دیگر تا جایگاه ربوبیت و الوهیت. هر دو دسته از اعتدال خارج شده‌اند. دسته اول تفریط کرده‌اند و مقصره خوانده می‌شوند و دسته دوم افراط کرده و غالی نامیده می‌شوند (هزارجریبی، ۱۴۰۰، ص ۱۹).

برای این دسته از افراط و تفریط‌ها، امامان (ع) خود وارد صحنه می‌شدند و سعی در روشنگری و استدلال و احتجاج عقلی و ارجاع به ادله محکمی مثل آیات کریمه قرآن و روایات متقن داشته‌اند؛ چنان‌که امام علی (ع) فرمود: «هلک فیّ رجلان: محب غال و مبغض قال» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۳۵). درباره من دو کس هلاک شدند: یکی، دوستی که از حدم گذراند و دیگری، دشمنی که از مقامم فروکشاند. در این روایت هر دو فرقه غلات و مقصره نقد و مذمت شده است.

نقطه مقابل غالیان، مقصره هستند. در غلو در شأن ائمه (ع) افراط و زیاده روی شده و در تقصیر از شأن ائمه (ع) کاسته و تفریط شده است. هر دو گروه در گمراهی هستند. هزارجریبی سه رساله به غلو اختصاص داده است و اندیشه های غالیان را به درستی و مستدل به چالش کشیده است اما درباره مقصره هیچ بحثی نکرده و هیچ رساله ای را اختصاص نداده است. البته مناقب خوانی و فضیلت گویی درباره ائمه (ع) در مکتوبات هزارجریبی به طور غیرمستقیم و بالکنایه نقد اندیشه تقصیر مآبانه است.

## ۲. برتری ائمه بر پیامبران سابق

برخی، پیامبران (ع) را از معصومین (ع) اشرف و افضل می دانند. به بیان دیگر این افراد از مقصره هستند که در حق ائمه (ع) و شأن آنان کوتاهی کرده اند. به نظر هزارجریبی بنابر اخبار بسیار، ائمه (ع) از پیامبران سابق افضل هستند. وی برای رد شبهه فوق و اثبات فضیلت ائمه (ع) رساله «برهانیه/ البراهین الجلیّة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّة» را نگاشته است. لازم است ذکر شود که هزارجریبی دو رساله با عنوان «برهانیه» نگاشته است: الف) برهانیه کوچک/ البراهین الجلیّة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّة/ فضیلت ائمه از انبیا که موجز و قلیل است. لازم به ذکر است که در «فهرست واره دستنوشته های ایران (دنا)»، رساله «افضلیت ائمه از انبیا» و رساله «البراهین الجلیّة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّة»، به صورت جدا از هم و به عنوان دو رساله متفاوت نگاشته شده است. لازم است که در چاپ های آتی فهرست واره به واحد بودن این دو اشاره گردد تا مراجعه کننده نپندارد که دو رساله متفاوت و با مضامین مختلف است.

ب) برهانیه بزرگ با عنوان «البرهان الجلیّة فی اثبات حقیقه اثنی عشریّة» که مفصل است و در آن قلم فرسایی شده است. مقصود ما از «برهانیه» در فوق، برهانیه کوچک است. با آنکه هزارجریبی در رساله مذکور هیچ اسمی از تقصیر و مقصران نمی آورد، اما یکی از نظریات مقصره (افضل بودن پیامبران سابق از ائمه "ع") را نقد کرده است. در نمونه ذیل هزارجریبی ائمه (ع) را بسیار بالاتر از پیامبرانی همچون ابراهیم (ع) دانسته است و یکی از مصادیق تقصیر از ائمه (ع) یعنی بالاتر دانستن پیامبران از ائمه را جواب داده است. همان طور که از

متن ذیل هویداست، هزارجریبی شأن ائمه را بسیار ارج می‌نهد اما هیچ‌گاه آنان را به توحید و اوصاف خداوندی مانند خالقیت و رازقیت نمی‌رساند:

«و چون این را دانستی، بدان که منزله امامت منزله عظیمه است و وسعت عرض آن زیاده از آن است که به عقل‌های ناقص ما در آید و حضرت ابراهیم(ع) در اول آن منزله و درجه هست و حضرت امیرالمؤمنین و اولاد معصومین او علیهم‌السلام در اعلا درجات آن هستند و بیان این معنی فی‌الجمله آن است که مناط فضل و کمال و علو به اسباب متعدده است و دو سبب کلی از آن اسباب عقل و علم است. و عقل صد جزء است، نود و نه جزء در ائمه ما هست و یک جزء دیگر عطا کرده شد به تمام اهل آسمان و زمین از عرش تا ثری. و حضرت ابراهیم(ع) با آن همه خلایق در یک جزء شرکت دارد، گو که او نظر به زیادتی قابلیت بهره‌اش از شریک‌های دیگر کامل‌تر باشد، و علم را حق تعالی مانند دریای بی‌پایان قرار داده است و یک قطره آن را به تمام اهل آسمان و زمین تقسیم نموده است. و حضرت ابراهیم(ع) با ایشان در آن قطره شریک است و به دریا کاری ندارد. و حق تعالی همه آن دریا را به ائمه آل محمد علیه و علیهم‌السلام عطا کرده است. کجا است شریک قطره نسبت به صاحب دریا؟ پس منزله اول امامت شریک قطره و جزء است و منزله آخر و نهایت و اعلا امامت صاحب عقل کل و تمام و صاحب دریای تام ریزنده است.» (هزارجریبی، نسخه خطی برهانیته کوچک "البراهین الجلیة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریة" / فضلیت ائمه از انبیا / تفضیل الائمة علی غیر جدّهم من الانبیاء"، کتابخانه مجلس "شورا"، شماره بازیابی: ۴۵۲۷؛ هزارجریبی، نسخه خطی برهانیته کوچک کتابخانه مروی، شماره بازیابی: ۹۵۲).

جالب آنکه هزارجریبی در کتاب مذکور در مصداقیابی، حضرت ابراهیم(ع) را نمونه آورده است که یکی از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت است و گفته که حضرت ابراهیم(ع) در اول منزل است و حضرت امیرالمؤمنین و اولاد معصومین او در اعلا درجات هستند. وی ملاک اصلی برتری را عقل و علم دانسته و معتقد است که اعظم آن دو، به ائمه(ع) داده شده است. هزارجریبی در رساله فوق هشت برهان بر فضلیت ائمه(ع) از پیامبران سابق آورده است. وی در برهان هفتم، مطرح کرده که ائمه(ع) برخلاف پیامبران سابق مرتکب ترک اولی نشده‌اند و این یکی از وجوه فضلیت ائمه(ع) است (هزارجریبی، نسخه خطی البراهین

الجلية في تفضيل آل محمد على جميع البرية، كتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی: ۴۵۲۷/۵؛ هزارجریبی، نسخه خطی البراهین الجليلة في تفضيل آل محمد على جميع البرية، کتابخانه مروی، شماره بازیابی: ۹۵۲).

هزارجریبی در مقدمه رساله «برهانیه/ البراهین الجليلة في تفضيل آل محمد على جميع البرية» درباره انگیزه اش از نگارش رساله، پاسخ گویی به شبهه را مطرح کرده است: «چون حقیر به کرات از علما و از اشراف و اکابر که دعوی فهم و دانش می نمودند شنیدم در وقتی که از ایشان سؤال می کردند نسبت ائمه آل محمد (ع) را به پیغمبران سابق، پس بعضی از ایشان می گفتند که پیغمبران سابق افضل اند از ایشان و بعضی از ایشان در این باب تأمل داشتند و چون کرات این جواب خلاف حق را استماع نمودم بر خود متحتم و لازم دانستم که رساله مختصره ای در این باب بنویسم و براهین چند در تفصیل و جلالت ایشان بر همه عالمیان ایراد نمایم که احدی را مجال تأمل در آنها نماند، هرچند که بزرگواری و تفضیل ایشان در اخبار بسیار موجود است.» (هزارجریبی، نسخه خطی البراهین الجليلة في تفضيل آل محمد على جميع البرية، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی: ۴۵۲۷/۵؛ هزارجریبی، نسخه خطی البراهین الجليلة في تفضيل آل محمد على جميع البرية، کتابخانه مروی، شماره بازیابی: ۹۵۲).

و در اواسط رساله «فواید لطیفه» نیز به انگیزه مذکور اشاره کرده است: «و از عالم دیگر که هم مدعی اجتهاد بود، شاگردان از او سؤال کردند که، ائمه آل محمد (ع) افضل اند یا پیغمبران سابق؟ آن عالم گفت: پیغمبران سابق افضل اند. این سخن نیز هم محلّ تعجب است و فقیر به این سبب «برهانیه کوچک» را نوشتم در تفضیل ائمه بعد از حضرت رسول بر جمیع خلق.» (هزارجریبی، نسخه خطی رساله فواید لطیفه، کتابخانه فیضیه، شماره بازیابی: ۱۲۳۹/۶).

## نتیجه‌گیری

در این رساله به تیپ شناسی دو اصطلاح «امور خارق‌العاده» و «مقصّر» در منظومه فکری هزارجریبی پرداخته شد. روحیه عرفان‌ستیزی و تصوف‌نقدی هزارجریبی در امور خارق‌العاده نیز بروز و ظهور داشته است زیرا ایشان گرچه محالات عادی و امور خارق‌العاده را برای دانشمندان شیعی و ائمه (ع) اثبات می‌کند، اما با دلایل منسجم و بعضاً ناکافی و بی‌اساس آن امور را از ایشان نفی می‌کند.

«مقصّر» افراد و گروهی هستند که در فضایل و مناقب پیامبر (ص) و ائمه (ع) کوتاهی می‌کنند؛ حتی می‌توان گفت که اهل تقصیر، برخی از کرامات و امور خارق‌العاده را از ائمه نفی می‌کنند. هزارجریبی با اثبات و تأیید گزاره‌های ذیل، خود را از جرگه مقصره خارج کرده و آن‌ها را نقد کرده است:

الف) اثبات کرامات و امور خارق‌العاده برای ائمه (ع)؛

ب) برتری ائمه (ع) از پیامبران پیشین.



## کتابنامه

### الف) کتابها و مقالات

- ابن سینا، شیخ الرئيس، الاشارات و التنبیها، قم، نشر البلاغة، چ اول، ۱۳۷۵.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم، ناشر: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، چ اول، ۱۴۰۴ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح: سید مهدی رجائی، قم، ناشر: دارالکتاب الاسلامی، چ دوم، ۱۴۱۰ق.
- قنبریان، علی، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمد کاظم هزارجریبی استرآبادی بر اساس نسخه‌های خطی برجای مانده، طراح جلد و صفحه‌آرا و ویراستار و سفارش دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»، تهران: انتشارات میراث فرهیختگان، چ اول، ۱۳۹۸ش.
- مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید (دوره کامل سه جلدی)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی: شرکت چاپ و نشر بین الملل، چ اول، ۱۳۹۴.
- هزارجریبی، محمد کاظم، نقد و مذمت اهل غلو: تصحیح و احیاء سه رساله غلوسنیزانه، مقدمه: محسن اراکی و سید مرتضی حائری طوسی، صاحب امتیاز و سفارش دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول، ۱۴۰۰ش.
- هزارجریبی، محمد کاظم، احوال مردگان در قبرستان وادی السلام، مقدمه تصحیح و حواشی: علی قنبریان، تهران، نشر درخت زندگی، چ اول، ۱۳۹۵ش.
- هزارجریبی، محمد کاظم، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبه المغرورین، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، سفارش دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول، ۱۳۹۸ش.
- هزارجریبی، محمد کاظم، خداشناسی: تصحیح رساله اثبات صانع و اصول دین، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی هزارجریبی، تهران: انتشارات میراث

فرهیختگان، طراح جلد و صفحه‌آرا و سفارش‌دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش قیاض»، چ اول، ۱۳۹۸.

هزارجریبی، محمدکاظم، کرامت‌های حضرت علی (ع): تصحیح رساله معجزات، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، تهران، نشر میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش قیاض»، چ اول، ۱۳۹۷ ش.

هزارجریبی، محمدکاظم، مناظره امام صادق (ع) با زندیق، مصحح و محشی: علی قنبریان و یوسف طاهری، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول، ۱۳۹۶ ش.

#### ب) نسخه‌های خطی

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی اثبات‌الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی البراهین الجلیّة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّة، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی: ۴۵۲۷/۵.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی البراهین الجلیّة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّة، کتابخانه مروی، شماره بازیابی: ۹۵۲.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی برهانیه کوچک (البراهین الجلیّة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّة / افضلیت ائمه از انبیا/ تفضیل الائمة علی غیر جدّهم من الانبیاء)، کتابخانه مجلس (شورا)، شماره بازیابی: ۴۵۲۷.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی برهانیه کوچک کتابخانه مروی، شماره بازیابی: ۹۵۲.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی جدلیه، تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۱۴۶۲۸-۵.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی رساله فواید لطیفه، کتابخانه فیضیه، شماره بازیابی: ۱۲۳۹/۶.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی معجزات، قم، کتابخانه فیضیه، شماره بازیابی: ۱۲۳۹/۵.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی منبّه‌المغروین، کتابخانه ملی، ش: ۳۲۱۴۹-۵.

محمدی، علی، شرح کشف‌المراد، قم، ناشر: دارالفکر، چ چهارم، ۱۳۷۸ ش.